



سهراب سپهری در آینه مکاتب ادبی غرب

شامل: تحلیل هشت کتاب

و بررسی انعکاس مکاتب ادبی غرب در آثار سپهری

مؤلف: ابراهیم رفیعی

سرشناسه

رفیعی، ابراهیم، ۱۳۵۸

عنوان و نام پدیدآور

سهراب سپهری در آینه مکاتب ادبی غرب: شامل تحلیل هشت کتاب و

بررسی انعکاس مکاتب ادبی غرب در آثار سپهری

مشخصات نشر

تهران، فکور، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری

۲۱۸ ص.

شابک

۹۷۸-۹۶۴-۸۸۳۱-۶۷۰۲

وضعیت فهرست‌نویسی

فیبای مختصر

یادداشت

فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی <http://opac.nli.ir> قابل دسترسی است.

یادداشت

صفحه شماره ۷ صفحه ابتدای کتاب به صورت ابجد می‌باشد.

شماره کتابشناسی ملی

۳۷۸۵۹۰۴



ناشر: انتشارات فکور

عنوان کتاب: سهراب سپهری در آینه مکاتب ادبی غرب

مؤلف: ابراهیم رفیعی

ویراستار: حسین ناظری، روح‌الله محمودپوری

قطع: وزیری - جاب اول (بهار ۱۳۹۴)

تیراژ: ۱۵۰۰ - قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۳۱-۶۷۰۲

تلفن: ۸۸۵۴۷۵۴۹-۰۲۱

نماینده: ۸۸۵۴۷۵۵۰-۰۲۱

پایگاه اینترنتی: www.fakor.ir

۸	مقدمه
۲۱	چکیده
۲۲	۱- فصل اول: معرفی سهراب سپهری
۲۳	۱-۱- زندگی نامه و آثار
۲۹	۲- فصل دوم: تحلیل آثار سپهری (هشت کتاب)
۳۰	۱-۲- مرگ رنگ
۳۰	۱-۱-۲- سطح زبانی
۳۱	۲-۱-۲- سطح فکری
۳۲	۳-۱-۲- سطح ادبی
۳۵	۲-۲- زندگی خوابها
۳۵	۱-۲-۲- سطح زبانی
۳۷	۲-۲-۲- سطح فکری
۳۹	۳-۲-۲- سطح ادبی
۴۲	۳-۲- آوار آفتاب
۴۳	۱-۳-۲- سطح زبانی
۴۴	۲-۳-۲- سطح فکری
۵۰	۳-۳-۲- سطح ادبی
۵۳	۴-۲- شرق اندوه
۵۴	۱-۴-۲- سطح زبانی
۵۵	۲-۴-۲- سطح فکری
۵۹	۳-۴-۲- سطح ادبی
۶۲	۵-۲- صدای پای آب
۶۲	۱-۵-۲- سطح زبانی
۶۳	۲-۵-۲- سطح فکری
۶۹	۳-۵-۲- سطح ادبی
۷۳	۶-۲- مسافر
۷۳	۱-۶-۲- سطح زبانی
۷۴	۲-۶-۲- سطح فکری
۷۹	۳-۶-۲- سطح ادبی
۸۲	۷-۲- حجم سبز

۸۳	۲-۷-۱- سطح زبانی
۸۵	۲-۷-۲- سطح فکری
۹۱	۲-۷-۱- آرمانشهر سپهری
۹۴	۲-۷-۳- سطح ادبی
۹۸	۲-۸-۸- ما هیچ ما نگاه
۹۹	۲-۸-۱- سطح زبانی
۱۰۰	۲-۸-۲- سطح فکری
۱۰۴	۲-۸-۳- سطح ادبی
۱۰۸	۴- فصل سوم: رمانتیسیم در آثار سهراب سپهری
۱۰۹	۳-۱- پیش سخن
۱۱۰	۳-۲- واژه رمانتیسیم
۱۱۱	۳-۳- تاریخچه و مفهوم رمانتیسیم
۱۱۳	۳-۴- اصول رمانتیسیم
۱۱۵	۳-۴-۱- آزادی
۱۱۶	۳-۴-۲- بازگشت به طبیعت
۱۱۶	۳-۴-۳- مخالفت با خرد
۱۱۶	۳-۴-۴- شخصیت
۱۱۶	۳-۴-۵- گریز و سیاحت
۱۱۷	۳-۴-۶- کشف و شهود
۱۱۷	۳-۵- برجستگان این مکتب
۱۱۷	۳-۶- رمانتیسیم ایرانی
۱۲۱	۳-۷- ردیای رمانتیسیم در اشعار سپهری
۱۲۲	۳-۷-۱- طبیعت ستایی
۱۲۵	۳-۷-۲- سیاحت و گریز در عرصه زمان و مکان
۱۲۸	۳-۷-۳- درونگرایی و کشف و شهود
۱۲۹	۳-۷-۴- حزن و غم، مرگ اندیشی، فضای تاریک شبانه
۱۳۲	۳-۷-۵- آرمانگرایی و گرایش به دین
۱۳۴	۴- فصل چهارم: سمبولیسم در آثار سهراب سپهری
۱۳۵	۴-۱- واژه سمبولیسم
۱۳۶	۴-۲- تاریخچه و مفهوم سمبولیسم
۱۳۹	۴-۳- اصول سمبولیسم
۱۳۹	۴-۳-۱- بدبینی و حاکمیت حالت اندوهیار
۱۳۹	۴-۳-۲- تخیل و رویا
۱۴۰	۴-۳-۳- اصالت احساسات
۱۴۰	۴-۳-۴- استفاده ویژه از زبان

۱۴۱	۴-۴- برجستگان این مکتب
۱۴۲	۴-۵- سمبولیسم ایرانی
۱۴۶	۴-۶- رذیای سمبولیسم در اشعار سپهری
۱۴۷	۴-۶-۱- به کارگیری نماد
۱۴۹	۴-۶-۲- ساختار نمادین
۱۵۳	۴-۶-۳- تاویل پذیری و چندمعنایی
۱۵۵	۴-۶-۴- جهان بینی عرفانی و مثلی
۱۵۶	۴-۶-۵- سهل و ممتنع
۱۵۷	۴-۶-۶- حس آمیزی
۱۵۹	۵- فصل پنجم: سوررئالیسم در آثار سهراب سپهری
۱۶۰	۵-۱- واژه سوررئالیسم
۱۶۱	۵-۲- تاریخچه و مفهوم سوررئالیسم
۱۶۴	۵-۳- اصول سوررئالیسم
۱۶۶	۵-۳-۱- رویا
۱۶۷	۵-۳-۲- نگارش خودکار
۱۶۸	۵-۳-۳- کشف و شهود به جای خرد- دیوانگی
۱۶۹	۵-۳-۴- طنز- هزل
۱۷۰	۵-۳-۵- عشق یا شهوت
۱۷۰	۵-۳-۶- تصادف عینی
۱۷۱	۵-۴- برجستگان این مکتب
۱۷۲	۵-۵- سوررئالیسم در ایران
۱۷۵	۵-۶- رذیای سوررئالیسم در اشعار سپهری
۱۷۷	۵-۶-۱- خواب، رویا و نگارش خودکار
۱۷۹	۵-۶-۲- تصادف عینی
۱۸۱	۵-۶-۳- کشف و شهود، اندیشه وحدت وجودی و عرفانی
۱۸۳	۵-۶-۴- طنز
۱۸۴	۵-۶-۵- لحظه روانی
۱۸۶	۶- فصل ششم: امپرسیونیسم در آثار سهراب سپهری
۱۸۷	۶-۱- واژه امپرسیونیسم
۱۸۸	۶-۲- تاریخچه و مفهوم امپرسیونیسم
۱۸۹	۶-۳- تاثیر سبکهای پیشین بر امپرسیونیسم
۱۹۰	۶-۴- امپرسیونیسم در ادبیات
۱۹۱	۶-۵- برجستگان این مکتب
۱۹۱	۶-۶- اصول امپرسیونیسم

۱۹۱	۱-۶-۶-درک لحظه
۱۹۲	۲-۶-۶-نگاه نو
۱۹۲	۳-۶-۶-پویایی و تحرک
۱۹۳	۴-۶-۶-اصالت کشف و شهود، تجربه‌های شخصی، احساس درونی
۱۹۳	۵-۶-۶-طبیعت گرایی و استفاده از نور و رنگ
۱۹۴	۷-۶-۶-ردیای امیرسیونیسیم در اشعار سپهری
۱۹۵	۱-۷-۶-درک لحظه
۱۹۶	۲-۷-۶-نگاه تازه و نو به هستی
۱۹۸	۳-۷-۶-ذهنیت، احساس، تجربیات شخصی و تنهایی
۲۰۰	۴-۷-۶-بازتاب نور و رنگ، نقاشی
۲۰۱	۵-۷-۶-هنر شرق
۲۰۳	فصل هفتم: نتیجه گیری
۲۰۴	نتیجه
۲۱۲	فهرست منابع و مآخذ
۲۱۷	چکیده انگلیسی

مقدمه

شعر نو فارسی

ادبیات هرملتی آینه تمام نمای فرهنگ، اندیشه و شیوه ی نگرش به زندگی آن ملت است و اگر کارنامه ادبی ملتی چون ایران که سابقه تاریخی پر فراز و نشیب دارد و گونه های متنوع فرهنگی را در خود جای داده است را در نظر داشته باشیم، بی گمان رنگین کمانی از ادوار متنوع فکری، فرهنگی، ادبی و هنری متنوعی را شاهد خواهیم بود. که ادبیات فارسی برای حمل و گسترش مضامین متنوع از زمینی و آسمانی گرفته تا ماورای ماده در ادوار مختلف تاریخی، سبک ها، ساختارها و قالب های متعددی را برای آن طراحی و استفاده نموده است. که برای مطالعه و بررسی هر کدام ناگزیر از تقسیم بندی هایی به دوره های کوچک تر تاریخی یا ادبی خواهیم بود.

محققان ادب فارسی سیر تاریخی پر فراز و نشیب شعر فارسی را به ادوار متنوعی تقسیم کرده اند، که اکثر آنها شاخص هایی چون: رویدادهای مهم تاریخی، اختصاصات سبکی، ویژگی های برجسته فکری و زبانی یا مضامین مشترک را در این تقسیم بندی ها مدنظر داشته اند و دوران صد ساله اخیر با تعبیر کلی و مبهم ادبیات معاصر نامیده شده است. با عنایت به رخداد های مهم سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ادبی در این دوره جای کنکاش و بررسی دقیق و استفاده از عبارات روشن تری است.

دوره صد ساله اخیر، یکی از ناآرام ترین ادوار تاریخی سرزمین ماست که تحولات متنوعی در حوزه های گوناگون اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و ... را موجب شد. شعر فارسی نیز یکی از مهمترین ادوار تاریخی خود را در این زمان سپری کرده است. لذا جهت بررسی دقیق تر تحولات شعر فارسی در این سر فصل تاریخی، ناگزیریم آن را به زیر فصل های محدود تری تقسیم نماییم. از میان محققین ادبی معاصر، دکتر شفیعی کدکنی در « کتاب ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت » این دوره را به هفت دوره زیر تقسیم کرده است:

(الف) دوره قبل از مشروطه

(ب) دوره مشروطه

(ج) عصر رضا شاهی (۱۳۲۰-۱۲۹۹)

(د) از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲

(ه) از کودتای ۱۳۳۳ تا حدود ۱۳۴۰

(و) از حدود ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۹

(ز) از سال ۱۳۴۹ (اوج گیری مبارزه مسلحانه) تا ۱۳۵۷ (سقوط سلطنت)^۱

^۱ - شفیعی کدکنی، محمد رضا، ادوار شعر فارسی (از مشروطیت تا سقوط سلطنت) ص ۶۸

البته این تقسیم بندی، دوره های تاریخی را با تفصیل بیشتر مد نظر داشته است که ما به جهت بررسی اجمالی آن، این دوره رادر چهار مقطع ذیل بررسی خواهیم کرد.

۱- دوره انقلاب مشروطه

۲- دوره رضا شاه

۳- دوره نخست حکومت محمدرضا شاه (از شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲)

۴- دوره دوم حکومت محمدرضا شاه (از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا سقوط سلطنت)

۱- دوره انقلاب مشروطه

انقلاب مشروطه پدیده تاریخی است که به عنوان یک نقطه عطف در تاریخ تحولات ایران به شمار می رود. واز آنجایی که: «تحول به یک پدیده منفرد، محدود نمی شود و مکانیزم تحول، طبیعتاً به همه پدیده های اجتماعی تسری می یابد وکل نظام را در برمی گیرد.»^۲ تأثیرات فراوانی در بنیان های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران برجای نهاد. ولی در پیدایش این پدیده عوامل متعددی زمینه ساز بودند. «آشنایی با افکار و اندیشه های جدید و تأسیس دارالفنون و چاپخانه و نشر افکار آزادیخواهانه در کتب و روزنامه ها و برخی مسائل دیگر موجب بروز نهضت مشروطیت در اوضاع و احوال ایران گردید. انقلاب مشروطیت ایران نوید بخش آغاز عصر جدیدی در تاریخ حیات سیاسی و اجتماعی ملت ایران بود»^۳

با پیروزی مشروطیت در ایران که خود آن [مشروطه] نوعی ارمغان غرب شمرده می شد، نخستین نشانه های تجدد در شعر فارسی آشکار شد. به عبارتی با تحول در عرصه اجتماعی و سیاسی تحولی در روش فکر شاعران و نویسندگان این عصر آغاز شد. «نهضت انقلابی طبعاً در حیات ادبی کشور نیز منعکس شد و به زودی گروهی از شعرا و نویسندگان به اردوی آزادی خواهان پیوستند و با آغاز مشروطیت فرصت آن را یافتند که آزادانه و آشکارا از راه قلم به پیکار برخیزند.»^۴ از آنجایی که به سخن درست «شعر، مانند همه مظاهر معنوی جامعه، مولود وضع مادی و اجتماعی مردم است.»^۵ گروهی از شاعران عصر به این باور رسیدند که قواعد منظم و غیر قابل تغییر و مضامین و معیارهای زیبایی شناختی که از ایام فردوسی، سعدی، حافظ، بیدل و قانی شعری سرایند، دیگر قابل ادامه نیست. درحالیکه این شعرا خود نیز از طبقه حاکمیت جدا و به صف مردم پیوسته بودند عموماً یا از رهبران نهضت بودند یا هواداران مشروطه.

۲- لنگرودی، شمس، تاریخ تحلیلی شعر نو، جلد ۱ ص ۱۵

۳- حکمی، اسماعیل، ادبیات معاصر ایران، ص ۱۱

۴- آرتین پور، یحیی، از صبا تا نیما، ج ۲ ص ۲۶

۵- نادرپور، نادر، شعر انگور، ص ۶

یادگیری زبانهای خارجی یا تحصیل در کشورهای اروپایی نیز آنان را با نظر گاهها، چشم اندازها و آیشخورهایی فکری جدیدی آشنا کرده بود که عموماً انتقال آنها به وسیله ی ترجمه وانعکاس آن در شعر فارسی مشکل بود، که اصلی ترین مانع آنان اوزان شعر فارسی به نظر می رسید که بر تساوی و تکرار وهمچنین قافیه تاکید داشت یا اساساً بر آن استوار بود.

اگرچه در طی سالیان اشعاری آزاد از قید تساوی اوزان سروده می شد، ولی نمی توان با یک مشخصه وزن وقافیه نسبت به این پدیده قضاوت کرد. زیرا شعر فارسی مولفه های فراوانی داشت که همچنان بکر باقی مانده بودند. به طور مثال عناصر خیال ساز وتصویر آفرین، صنایع ادبی، زیبایی شناختی ونظریه های هنری از این مقوله هستند. لزوم تحول در این مقوله ها تقابل اساسی مابین سنت ومدرنیته را به همراه داشت و به این جهت انقلاب ادبی مطرح بود ونو اندیشان را به این نتیجه می رسانید که «اختلاف وعدم تناسب مفاهیم ومضامین جدید با مقررات سخت گیر شعر قدیم، در صورتی از میان بر می خیزد که در طرز تفکر واسلوب بیان شعر فارسی، دگرگونی ژرف وریشه داری پدید آید»^۶

دراثنای جنبش مشروطیت، ساختار شعر فارسی با سرعت بیشتری دستخوش دگرگونی می شد و در محافل روشنفکری آن زمان، چالش میان هواداران نوآوری ادبی و سنت گرایان مشاهده می شد. شاعرانی که نیاز به نوپردازی را حس کرده بودند، سروده های خود را در ساختاری نو عرضه می نمودند وعده ای نیز در سعی در حفظ شرایط گذشته داشتند.این تقابل، تحت عنوان انقلاب ادبی، زمینه تقسیم شدن شاعران آن دوره را به سه گروه فراهم می آورد.

گروه اول: طرفداران قطعی سنتهای گذشته چه در قالب وجه در مضمون که اکنون به حد اقل رسیده بودندند. ادیبالممالک فراهانی، ادیب پیشاوری، رشید یاسمی، یغما از افراد شاخص این گروه بودند.

گروه دوم: طرفداران سنت های ادبی گذشته که لزوم تغییر را نیز پذیرفته بودندند. آنان قصد داشتند با ترویج معانی جدید در لباس شعر قدیم ودر عین حال با اقتباس از مضامین اروپایی و واردکردن واژگان جدید در شعر هم سنتهای ادبی گذشته را حفظ نمایند وهم طرحتی نو در مضامین جدید شعر دراندازند. «این گروه محافظه کار برای اینکه ثابت کنند هر موضوع ومضمون تازه ای را می توان به سبک وشبیه قدما ودر قالب شعر قدیم بیان کرد، به زبان خواجه وخواجه با «ماد وطن» مغالطه می کردند. ودر معنی آزادی ودموکراسی داد سخن می دادند وبه روال قصاید بالا بلند عسجدی و فرخی وبا همان مصالح وابزار کهنه وثقیل در صفات هواپیما وراه آهن قافیه

^۶ شکلیا، پروین، شعر فارسی از آغاز تا امروز ص ۳۰۸

می یافتند.^۷ این دوره تاریخی، دوره سردمداری ابن شاعران است که با درهم شکستن قالب‌ها و سنت‌های ادبی سخت مخالف بودند هرچند نوآوری‌هایی نیز داشتند و به قول دکتر تقی پور نامداریان «شاعران مشروطه از درون سنت واز دریچه سنت به چشم اندازهای تازه‌ای می‌نگریستند که شرایط و اوضاع و احوال تازه اجتماعی بر جامعه حاکم کرده بود. کوشش آنان در زمینه تجدید در شعر، در اسیر کردن چشم انداز جهان جدید در قید و بند سنت خلاصه می‌شد».^۸ محمد تقی بهار، ایرج میرزا، علی اکبر دهخدا، وسید اشرف الدین گیلانی (نسیم شمال) و... از این گروه به شمار می‌روند.

گروه سوم: طرفداران تغییرهای بنیادین. این گروه غالباً انقلابیون پرشوری بودند که گاهی نشریاتی هم در اختیار داشتند و خواهان تحول بنیادین در حوزه سیاسی و به تبع آن ادبی، و درهم شکستن کلیه سنت‌های گذشته و حرکت به سوی مدرنیته در تمام ابعاد آن بودند. جعفر خامنه‌ای با نشریه «تجدید»، ابوالقاسم لاهوتی، رتقی رفعت و شمس کسمایی و بعداً عارف قزوینی، عشقی و نیما یوشیج در این طیف قرار می‌گیرند. این دسته «هم به لحاظ بعضی جنبه‌های اجتماعی عمیق‌تر به مسائل می‌نگرند و هم به لحاظ آشنایی با مسائل فنی شعر بخصوص از دیدگاه آگاهی از تحول ادبیات اروپایی. شماره افراد آن بسیار کم ولی اهمیت و تأثیر بعدی آنها بسیار زیاد است».^۹

۲- دوره رضا شاه

در حدود سالهای ۱۳۰۰ هجری شمسی جامعه ایران در حالتی بود که با افق‌های مشروطه کم‌کم از سنت بریده بود، ولی از نوجویی هم تجربه روشنی نداشت. از گنگی و بی‌خبری بیرون آمده، ولی راه روشنی را هم پیدا نکرده بود. اقلیتی متجدد، روشنفکر، تحصیل کرده و انقلابی می‌خواستند اکثریتی بی‌سواد و عاجز از درک اساسی‌ترین حقوق مدنی‌شان را به جامعه‌ای متمدن و مترقی رهنمون سازند. که این آشفته‌گی، بلاتکلیفی، سرخوردگی اجتماعی و هرج و مرج زمینه‌های ظهور دیکتاتوری به نام رضا شاه را فراهم آورد. رضا شاهی که «ایدئولوژی ندارد، ولی دو امکان چشمگیر و رایج و ظاهراً مترقی برای دست‌یابی به محملی شبه ایدئولوژیک در دسترس اوست: نخست، باستانگرایی روشنفکران ایرانی که از همان آغاز مشروطیت، و به انگیزه خود باوری و اعتماد به نفس و اطمینان به خود رواج یافته است؛ و دوم حضور فعال نژاد پرستان آلمانی در

۷- آرتین پور، یحیی، از صبا تا نیما، ج ۲، ص ۴۲۴

۸- پورنامداریان، تقی، خانه ام لری است (سفر شما از سنت تا تجدید)، ص ۱۸

۹- حاکمی، اسماعیل، ادبیات معاصر ایران، ص ۱۷